نگاه

من که توییت ندارم!

غلامعلی رجایی

● این روزها ملاقات عیددیدنی مردم و مسئولان نظام با آیت‌الله هاشمی در مجمع برقرار است. از ساعت ۱۱ تا اذان ظهر اتاق‌های ملاقات مرتب از جمعیت مشتاق پر و خالی می‌شود و این آیت‌الله ۸۲ ساله با شوروشوق و شادابی خاصی در این دیدارها حاضر می‌شود. در این دیدارها معمولا رسم این است ایشان خطاب به جمع می‌گویند استفاده می‌کنم و بعد چند نفر بدون هماهنگی یا تعیین قبلی از سوی مسئولان تشریفات، هرچه دلشان می‌خواهد می‌گویند و بعد ایشان هم دقایقی را صحبت می‌کنند و در پایان با هشدار مسئول ملاقات که عده‌ای دیگر منتظر ملاقات هستند دیدار را تمام می‌کنند و در جمع دیگرانی که گاه یک ساعت منتظر نشسته‌اند، حاضر می‌شوند. دیدارهای هاشمی از هفته دوم فروردین آغاز می‌شود و تا چند روز پس از تعطیلات سیزده فروردین ادامه دارد. در این دیدارهای نوروزی خیلی از قشرها می‌آیند و می‌روند؛ از وزرا و معاونان‌شان گرفته تا علما، هنرمندان، خانواده‌های شهدا، روزنامه‌نگاران و...

شنبه که رئیس و معاونان دانشگاه آزاد اسلامی برای عرض تبریک سال نو به آیت‌الله به مجمع آمده بودند حجت‌الاسلام علی عسکری، معاون پارلمانی، در پایان ملاقات سؤالی درباره جنجال اخیر علیه هاشمی درباره توییتی که از ایشان منتشر شد، سؤال کرد. آیت‌الله هاشمی با خنده گفت من که توییت ندارم! و درادامه گفتند این بحث اولا این‌گونه نیست و تقطیع‌شده سخنانی است که من در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۸۷ به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی در دهه فجر با خبرنگار هلندی راجع به تاریخچه کاربرد سلاح‌های شیمیایی عراق علیه ایران گفته‌ام که متن آن هم موجود است. ثانیا من با خطاب قراردادن غربی‌ها در حقانیت انقلاب اسلامی، گفته‌ام آینده جهان و بشریت را گفتمان‌هایی از جنس انقلاب اسلامی رقم می‌زند نه موشک‌های دوربرد و قاره‌پیما و بمب‌های هسته‌ای، بعد گفتند البته در آن سخنان گفتم آینده از آنِ اسلام است البته اسلام اختیاری و برمبنای آیه شریفه لااکراه فی‌الدین، نه اسلام اجباری و تحمیلی. بعد که به ایشان گفته شد خوب است به این جوسازی‌ها پاسخی داده شود، گفتند نیازی فعلا نمی‌بینم.

این را که گفتند، یکی از مسئولان مجمع که در کنار من نشسته بود، به من گفت صبح که به آیت‌الله گفتیم درباره توییتی که منسوب به شماست جوسازی شدیدی در فضاهای مجازی از سوی دلواپسان ایجاد شده که گفته‌اید ما نیاز به موشک نداریم، خنده‌ای کردند و گفتند همه می‌دانند در جنگ و سپس در دولت من بود که سپاه و جهاد به سمت تولید موشک‌های دوربرد رفتند و کارهای خوبی در این زمینه انجام دادند. درباره رد انتساب توییت از سوی آقای هاشمی با اینکه تبلیغ این توییت در سایت ایشان شده و این شبهه در اذهان بعضی‌ها وجود دارد که توییت‌ها کار ایشان است، دو نکته مهم وجود دارد:

نخست اینکه ایشان بر سایتشان نظارت دوری دارند و سایتشان تحت نظارت فرزند ارشدشان مهندس محسن هاشمی و با کمک بعضی مشتاقان هاشمی - نظیر مسئول فعلی سایت- اداره می‌شود و آیت‌الله به‌دلیل پرداختن به مسائل کلان کشور و مجمع و منطقه و... فرصت رسیدگی به چنین امور جزئی و ورود به چنان موردهایی را نداشته و ندارند و دیگر اینکه ایشان همان‌گونه که گفته‌اند، اساسا توییتی ندارند و هرکس ادبیات این توییت‌ها را که منسوب به ایشان است نگاه کند، درمی‌یابد ادبیات به‌کاررفته در این توییت‌ها ادبیات هاشمی نیست. مثل توییتی که در مرگ مرحوم آیت‌الله طبسی منتشر شد که: خداحافظ رفیق روزهای سخت!

مسئول سایت به خود من گفت وقتی این توییت را انتخاب کردم و بازتاب و آمار دیدن آن را خدمت آیت‌الله گزارش دادم، اعلام رضایت کردند.

دیروز در یکی از سایت‌های مدعی اصولگرایی در خبری دروغ و خنده‌دار از قول من نوشته بودند غلامعلی رجایی مشاور رسانه‌ای هاشمی گفته متن توییت‌ها را فواد صادقی تهیه می‌کند! جاعلان این خبر حتی نمی‌دانند من مشاور هاشمی در مجمع هستم نه مشاور رسانه‌ای وی و اساسا ایشان در مجمع تشخیص مشاور رسانه‌ای ندارند...

کاش مسئول سایت هاشمی در بیانیه‌ای چندخطی این مسئله را توضیح می‌داد که اساسا تهیه متن توییت‌ها از متن سخنان هاشمی برداشت شخصی و سلیقه خود اوست تا دلواپسان ذوق‌زده و همیشه‌آماده‌باش برای تخریب هاشمی وقت خودشان را صرف این جوسازی‌ها نکنند. یک‌بار برای همیشه اعلام می‌شود هاشمی توییتی ندارد و توییت‌ها توسط علاقه‌مندان به وی تهیه می‌شوند.

سه‌شنبه صبح که طبق معمول آیت‌الله را دیدم، به ایشان پیشنهاد کردم برای تنویر ذهن افکار عمومی جامعه نسبت به این فضاسازی شدید تخریب...

ادامه در صفحه ۱۹

بازسازی صحنه مرگ فرخی‌یزدی/عکس: آزاده اخلاقی

مروری بر سرنوشت «پزشک احمدی» در سالگرد دستگیری

پزشک مرگ در محکمه

نزهت امیرآبادیان

زیر چوبه دار که ایستاده بود، فریاد می‌زد: «ای مردم من قاتل نیستم! یگانه گناهم اینه که دستور مافوقم را اجرا کرده‌ام! و حالا چون از همه ضعیف‌ترم، همه‌چیز به گردن من افتاده! قاتل اصلی سرتیپ مختار و خود رضاشاهه!»

غلامحسین بقیعی در کتاب «انگیزه: خاطراتی از دوران فعالیت حزب توده» آخرین لحظات زندگی پزشک احمدی را این‌گونه روایت می‌کند.

مردی کوتاه‌قد و لاغراندام که اغلب پالتویی بلند می‌پوشید، موهای جوگندمی که غالبشان سفید بود و صورتی استخوانی و چشمانی که هیچ‌چیز را تداعی نمی‌کرد، نه خشم، نفرت و نه عطوفت.

احمد احمدی، فرزند محمدعلی، معروف به «پزشک احمدی» در سال ۱۳۱۰ در دوران ریاست سرتیپ آیرم بر شهربانی وارد یکی از مهم‌ترین ادارات مرکز شد. می‌گویند که او شب و نصف‌شب بر سر خدمت حاضر می‌شد و با آمپول‌های مخصوص خود «انژکسیون» (لغت فرانسوی در پزشکی است؛ تزریق آمپول‌دوایی، آمپول‌زدن و واردکردن دارویی مایع در رگ به وسیله سرنگ) آمپول داغ، آمپول هوا و... بیماران را راحت می‌کرد. به دستور رضاشاه و ریاست شهربانی، زندانیانی که دیگر ضرورتی به زنده‌ماندن آنها احساس نمی‌شد، با بهره‌گیری از تخصص پزشک احمدی در تزریق آمپول هوا کشته می‌شدند.

زندان دوران رضاشاه دروازه گورستان بود. آیرم پلیس سیاسی را تأسیس کرد و در زمان ریاست رکن‌الدین مختار بر شهربانی جو خفقان به اوج رسید و فعال‌ترین ادارات شهربانی کل در این دوره، اداره پلیس سیاسی و اداره زندان بودند. اداره پلیس سیاسی وظایف پلیس امنیتی را انجام می‌داد و اداره زندان، مقصران عادی و سیاسی را نگهداری می‌کرد.

وحشت‌زدگی، خودتحقیری و دیگری‌ستیزی نتیجه و محصول استبداد است؛ آنجا که قدرتی غالب مخالفانش را سرکوب و منکوب می‌کند. اما دوره‌های استبداد و وحشت در تاریخ معمولا پس از دوره‌های ناامنی و هرج‌ومرج ایجاد و این‌گونه توسط مردم پذیرفته می‌شود و دوام می‌یابد. هیولای وحشی قدرت از میان بی‌نظمی‌ها برمی‌خیزد تا نظم ایجاد کند. جامعه وحشت‌زده رفته‌رفته توهم و خیال و امیال مازوخیستی و حس گناهکاربودن را تقویت می‌کند، توهم به وحشت دامن می‌زند و حس گناه به پذیرش استبداد کمک می‌کند.

پس از به‌قدرت‌رسیدن محمدرضا پهلوی و برقراری آزادی نسبی مطبوعات و آزادی‌های سیاسی، تعدادی از کسانی که در رژیم پهلوی اول آسیب دیده بودند مانند خانواده‌های تیمورتاش و سردار اسعد از عوامل دستگاه رضاشاهی شکایت کردند. در محافل سیاسی و روزنامه‌ها لزوم بررسی و کیفر مجرمان به بحث روز تبدیل شد. پزشک احمدی می‌دانست که خانواده تیمورتاش و دیگر قربانیان که با مشارکت او به قتل رسیده بودند درصدد شکایت و بازداشت او هستند. او با مقداری پول و یک گذرنامه جعلی به عراق رفت. اما توسط مأموران عراق دستگیر شد و به درخواست دولت ایران تحویل مأموران ایرانی شد. پزشک احمدی بعدازظهر پنجشنبه ۲۰ فروردین ۱۳۲۱ به تهران وارد شد و بلافاصله پس از ورود به دیوان کیفر تسلیم شد. محاکمه «مختار»، رئیس شهربانی رضاشاه و سایر متهمان شهربانی در مرداد ۱۳۲۱ در شعبه یکم دیوان کیفر، پشت کاخ گلستان عمارت وزارت امور خارجه سابق آغاز شد که تا شهریور ادامه یافت و نتیجه نشان داد که قسمتی از قتل‌های رخ‌داده در زمان آیرم و قسمت عمده آن در زمان رکن‌الدین مختار صورت گرفته است و در مورد تعدادی از قتل‌های رخ‌داده، پزشک احمدی عامل اصلی جنایت بود. پزشک مجاز زندان قصر به موجب قرار صادره در پرونده مربوط به قتل سردار اسعد بازداشت شده بود. او علاوه‌برآن متهم به آزار و اذیت و قتل محمد فرخی‌یزدی و قتل تیمورتاش، وزیر دربار رضاشاه، نیز بود.

روایت یک قتل

مهدی آذر، وزیر فرهنگ کابینه محمد مصدق، در کتاب خاطرات خود می‌گوید: در نشستی با خانم ایراندخت تیمورتاش در روز ۱۳ ژوئیه ۱۹۸۱ در پاریس و به‌هنگام صرف ناهار، ایشان خاطرات خود را از مرگ پدرش این‌گونه نقل کرد: «من سه یا چهار روز قبل از اینکه پدرم به زندان منتقل شود به اتفاق میرزا هاشم‌خان افسر به دیدار پدر رفتم. او جسما سالم به نظر می‌رسید ولی روحیه‌ای بس پژمرده داشت. در این جلسه پدرم قیمومت و سرپرستی فرزندان خود را به آقای افسر سپرد و گفت امیدوارم از آنها در نهایت مهربانی نگهداری کنی. هاشم افسر تحت‌تأثیر بیانات عبدالحسین تیمورتاش اشک در چشمانش حلقه زد ولی پدرم به او گفت این اشک‌ها را برای روزهای بدتری ذخیره کن. من با آنکه دخترک معصوم و نوجوانی بیشتر نبودم معنی این کنایه را فهمیدم. معهذا از خود حرکتی بروز ندادم. پس از آنکه وقت ملاقات تمام شد آخرین نگاه را به پدرم که به اندازه یک دنیا او را دوست داشتم انداختم و بیرون آمدم.

در یک شب میهمانی در باغ سردار اسعد، تلفنی به سرلشکر آیرم رئیس شهربانی اطلاع داده شد به زندان قصر برود. سرلشکر هنگام عزیمت از میهمانان معذرت‌خواهی کرد و گفت ظاهرا باید در زندان چندنفر سر به شورش گذارده باشند و اتفاقی افتاده باشد. او به‌هنگام خداحافظی اظهار می‌دارد شام منتظر من نباشید و سپس از باغ بیرون رفته یکسره به زندان قصر و به دخمه‌ای که تیمورتاش در آنجا ماه‌های آخر را در سلول انفرادی به‌سر می‌برد و بعدها به «دخمه تیمورتاش» معروف شد رفت. در آنجا سرهنگ پاشاخان باجناق رضاشاه که ریاست کل زندان‌ها را برعهده داشت همراه با پزشک احمدی منتظر بودند تا دستور اجرای قتل صادر شود. آنها ابتدا بازوی تیمورتاش را گرفتند و در شرایطی که او مقاومت می‌کرد سم را به داخل رگ‌هایش تزریق کردند. سم کارگر نشد و در نتیجه تلاش تیمورتاش برای پرهیز از مرگ و تلاش پزشک احمدی برای کشتن طعمه خود، سر و بدن تیمورتاش خون‌آلود شد. سرانجام برای اینکه کار زودتر به پایان برسد با بالش او را خفه کردند. این بالش خون‌آلود تنها چیزی بود که از زندان پدرم برای ما ارسال داشتند. سرلشکر آیرم در بازگشت از مأموریت خیلی کوتاه ولی با لحنی موفقیت‌آمیز می‌گوید: «کار تمام شد، کارش را تمام کردم»».

قتل در حمام زندان

محمد فرخی‌یزدی، شاعر آزادی‌خواه که به جرم «اسائه ادب به بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی» در زندان به‌سر می‌برد، قرار بود پس از سه‌سال زندان آزاد شود. آنچه در زیر می‌آید گزارش فتح‌الله بهزادی، پزشک‌یار وقت بیمارستان زندان موقت شهربانی، است که کیفیت به‌قتل‌رسیدن محمد فرخی‌یزدی در دادگاهی که جهت تعقیب جانیان دوره مذکور تشکیل شده بود را ارائه داده است:

«قبلا از طرف اداره زندان محمد یزدی سرپاسبان آمده، شیشه‌های پنجره اطاق حمام را گل سفید زده و پنجره‌های اطاق حمام را گرفته و مسدود نمودند و روز ۲۱/۷/۱۸ فرخی را به آن اطاق انتقال دادند. و دستور دادند که کسی حق ندارد به اطاق حمام داخل شود و درب را قفل کردند و کلیدش را همراه خود بردند و نزد پایور نگهبانی بود و هر وقت که برای معاینه و دادن دستور دوایی لازم بود به پایور نگهبانی اطلاع داده و با حضور آنها غذا و دوا داده می‌شد و مجددا درب را قفل و کلید آن را با خود می‌بردند تا روز ۲۴/۷/۱۸ ساعت ۱۷:۳۰ برحسب دستور یاور بردبار، رئیس زندان موقت مرا مأمور کردند که به منزل سلطان متنعم، پایور زندان بانوان رفته و از او عیادت کنم. بنده هم حسب‌الامر به وسیله اتومبیل اداری به منزل نامبرده عازم شدم و در موقع رفتن به دکتر احمدی که در بیمارستان بوده اظهار داشتم که طبق این یادداشت برای عیادت متنعم می‌روم. قریب دو ساعت در منزل متنعم بودم و دستورات دوایی نیز به ایشان دادم و با همان اتومبیل که آمده بودم مراجعت کردم، دیدم پزشک احمدی هم نیست. از علی سینکی سؤال کردم چرا دکتر احمدی نماند؟ شاید اتفاقی رخ بدهد. علی سینکی جواب داد پس از رفتن شما پایور نگهبان دستور داد که ملافه‌های بیماران را که جمع کرده‌اند بردار و چون از زندان بانوان، انفرمیه خواسته‌اند به فوریت به آنجا برو و من هم از زندان خارج شده و همان ملافه‌ها را که برای شستن جمع شده بود با خود به زندان بانوان برده و پس از مراجعت به زندان دیدم که پزشک احمدی نیست. من از علی سینکی سؤال کردم که احمدی کجاست؟ گفت رفته است. از پشت پنجره بیمارستان صدا کردم که کلید را بیاورید تا شام فرخی را بدهیم. جواب دادند که فرخی گفته است امشب شام نمی‌خورم. ساعت بین نه‌ونیم و ده بود که نیرومند وارد زندان شده و پایور نگهبان هم از عقب ایشان بودند. صبح که آقای دکتر هاشمی آمدند پس از آنکه تمام اطاق را بازدید نمودند برای عیادت فرخی آمد دم پنجره بیمارستان بنده صدا زدم آژان کلید را بیاورید که هم چای فرخی را بدهم و هم دکتر او را معاینه کند. کلید را آوردند درب اتاق فرخی را باز کردند. دکتر هاشمی به جلو بنده از عقب ایشان پایور نگهبان یزدی هم از رفقای ما داخل شده و علی سینکی هم با ما بود. مشاهده کردم که فرخی روی تخت برخلاف همیشه دراز کشیده است. چون همه‌روزه که وارد می‌شدیم به پا ایستاده و پس از سلام و تعارف چند بیتی اشعار و رباعی که ساخته بود برای ما می‌خواند. وضعیت فرخی این‌طور بود: یک پایش از تخت آویزان و یک دستش روی تنه و جلو یقه پیراهن، یک دست دیگر او روی شکم، چشمانش باز و گود افتاده بود».

اگرچه مردم در دوره‌های سخت ناگزیر می‌شوند که آنچه در اطرافشان رخ می‌داد را بپذیرند و هیچ انتخاب دیگری جز تن‌دادن به آن ندارند اما آن‌گونه که بقیعی در خاطراتش می‌نویسد، رسید آن روزی که روزنامه‌فروش‌ها داد می‌زدند: فوق‌العاده! به‌دارزدن پزشک احمدی! فردا در میدان توپخانه! فوق‌العاده!

کوتاه دیپلماسی

ظریف به باکو رفت

● **ایرنا:** اولین نشست سه‌جانبه مشترک وزرای خارجه ایران، آذربایجان و روسیه امروز در باکو برگزار می‌شود. به همین منظور محمدجواد ظریف روز گذشته به آذربایجان سفر کرد. او دیشب با ایرانیان مقیم باکو دیدار و گفت‌وگو کرده است. همچنین روز گذشته، وزیر خارجه ترکیه در پایان چهارمین نشست وزیران خارجه در رامسر، آن را مفید ارزیابی کرد و گفت با دکتر ظریف در مورد ابعاد مختلف روابط دوجانبه و مقدمات سفر حسن روحانی به ترکیه گفت‌وگو کرده است.

نگرانی تهران از روند جاری خلع سلاح هسته‌ای

● **ایرنا:** «غلامحسین دهقانی»، سفیر و معاون نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد، روز سه‌شنبه در اجلاس کمیسیون خلع‌سلاح مجمع عمومی این سازمان گفت: «جمهوری اسلامی ایران عمیقا نسبت به تحولات و روندهای جاری در حوزه خلع‌سلاح هسته‌ای نگران است و پیشرفت ملموسی در اجرای تعهدات خلع‌سلاح هسته‌ای بر اساس ماده شش معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) صورت نگرفته است». او افزود: «سال گذشته در نتیجه مخالفت آمریکا و انگلیس، کنفرانس بازنگری ان‌پی‌تی با شکست روبه‌رو شد و نتوانست به هیچ‌گونه توافق محتوایی در زمینه پیشبرد خلع‌سلاح هسته‌ای دست یابد. این دو کشور نه به دلیل مسائل امنیت ملی خودشان بلکه صرفا به خاطر دفاع از برنامه هسته‌ای رژیم صهیونیستی با سند نهایی کنفرانس مخالفت کردند».

ادعای کلینتون درباره علت حضور ایران در مذاکرات

● **ایسنا:** هیلاری کلینتون، نامزد پیشتاز حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، با تکرار ادعای بی‌اساس غرب و آمریکا مبنی‌بر اینکه تحریم و فشار، ایران را پای میز مذاکره آورد، گفت: «من ائتلاف بین‌المللی علیه ایران را شکل دادم و آنها را به پای میز مذاکره کشاندم». خبرگزاری رویترز نوشت، او در ادامه ادعاهایش گفته است: «ما توانستیم برنامه ایران را برای دست‌یافتن به بمب هسته‌ای مهار کنیم. من می‌دانم که این کار چقدر سخت است».

ادامه از صفحه ۳

داستان یک عکس

سیدعباس عراقچی بعد از گفت‌وگویش با شرمن و درحالی‌که مجید تخت‌روانچی همچنان در حلقه چند خبرنگار ایرانی و خارجی قرار داشت به‌سرعت به سمت آسانسور رفت و قصد داشت بدون همکارش راهی اتاق خود و احتمالا اتاق محمدجواد ظریف بشود. به‌سرعت خود را به آسانسور رساندم و با مانع‌شدن میان درِ آسانسور از وی جویای محتوای مکالمه کوتاهش با وندی شرمن شدم و در برابر سماجت و اصرار من و اجتناب وی از پاسخ‌دادن تنها به این جمله اکتفا کرد که «طوفان در راه است». آنچه شرمن به عراقچی در فاصله کوتاه مکالمه‌شان در لابی در ساعات اولیه روز ۱۷ آبان گفت چیزی نبود جز اطلاع درباره سفر جان کری، وزیر خارجه آمریکا به ژنو و درخواست برای دیدار دو جانبه با محمدجواد ظریف. این خبر چند ساعت بعد از سوی رسانه‌ها و مقامات آمریکایی منتشر شد. جان کری در ساعات اولیه همان روز به هتل اینترکنتیننتال وارد شد و این برای اولین‌بار بود که وزیر خارجه آمریکا به طور مستقیم خود وارد مذاکرات می‌شد و همان روز دیدارهایی دوجانبه با ظریف و سه‌جانبه با حضور ظریف و اشتون برگزار شد. وزیران خارجه ۱+۵ به ترتیب و با سرعت خود را از صبح روز ۱۷ آبان به ژنو رساندند. باید گفت آنچه از دید سیدعباس عراقچی «طوفان» خوانده شد، صرف حضور وزیر خارجه آمریکا در مذاکرات نبود، بلکه پیام این حضور بود مبنی بر اینکه پنجره‌ای برای رسیدن به نقطه‌ای مرضی‌الطرفین میان دو طرف باز شده است و احتمال توافق میان ایران و ۱+۵ بر سر موضوع هسته‌ای بیش از یک دهه پیش فراهم شده است. درعین‌حال مذاکرات ژنو۲ با کارشکنی‌های وزیر خارجه فرانسه به نتیجه نرسید و کار به مذاکرات ژنو۳ موکول شد.

کافه لئون
نارون

کیترینگ و سفارشات بیرون بر
CATERING & DELIVERY

نیاوران- مرکز خرید نارون- طبقه همکف
۲۶۱۰۳۸۱۱

www.leon1960.com
/LEONSINCE1960

higroupplus.com/rakhshani